

نام ماهها در تقویم ژاپنی



شماری از ماههای اروپایی از الهه‌ها نام گرفته‌اند، مانند ژانویه از ژانوس Janus یا ماه سوم از مارس Mars. بعضی از ماهها هم به اشتباه روی عدد نامگذاری شده، مانند اکتبر (ماه دهم) که به معنی هشت است، و دسامبر (ماه دوازدهم) که به معنی ده است. نام فارسی ماهها هم از اساطیر ایرانی آمده است. در ژاپن امروزه همه دوازده ماه سال را به شماره می‌نامند (ماه یک، ماه دو، و...)، اما در نوشته‌های ادبی، بویژه در شعر، نامهای زیر اغلب برای ماههای دوازده‌گانه به کار رفته است.

نام امروزی ماهها

sho - gatsu	ماه ۱ شو گاتسو (نوروز)
Ni - gatsu	ماه ۲ نی گاتسو
San - gatsu	ماه ۳ سان گاتسو
Shi - gatsu	ماه ۴ شی گاتسو
Go - gatsu	ماه ۵ گو گاتسو
Roku - gatsu	ماه ۶ روکو گاتسو
Shichi - gatsu	ماه ۷ شی چی گاتسو
Hachi - gatsu	ماه ۸ هاچی گاتسو

Ku - gatsu	ماه ۹ کو گاتسو
Ju - gatsu	ماه ۱۰ جو گاتسو
Ju - ichi - gatsu	ماه ۱۱ جو - ایچی گاتسو
Ju - ni - gatsu	ماه ۱۲ جو - نی گاتسو

نام قدیم ماهها، و معنی آن

Mutsuki	موتسوکى	ماه اجتماعی، یا ماه حسن روابط
Kisaragi	کیساراگی	لباس دو آستره، باید لباس بیشتر پوشید
Yayoi	یایوی	بر آمدن و بالیدن (گیاهان در این ماه پیوسته می رویند. ماهی که طبیعت بیدار می شود).

U - tsuki	اوتسنوکى	ماه گلهاى تُو
Sa - tsuki	ساتسنوکى	ماه نشانیدن نشاءهای برنج یا بذرافشاندن
Mi - na - zuki	می نازوکى	ماه بی آب (شاید تحریف شده ماه پر آب باشد)
Fumi - zuki / Fu - tsuki	فوتسنوکى / فزومى زوکى	ماه ادبیات یا نامه نگارى، ماه خواندن

Ha - zuki	هازوکى	ماه برگها (که رنگ به رنگ می شود یا می ریزد) یا ماه برگریزان
Tsuki - mi - zuki	تسنوکى می زوکى	ماه نظاره کردن ماه و لذت بردن از مهتاب
Naga - zuki	ناگازوکى	ماه بلند (شاید که ماهی که شبهای دراز دارد)
Kiku - zuki	کیکو زوکى	ماه گل داوودى
Kami - na - zuki	کامى نازوکى	ماه بی خدا
Shimo - tsuki	شیمو تسنوکى	ماه یخبندان، یا ماه برفک سفید
Shiwasu	شیواسو	ماه شلوغ و پرکار

نام بیشتر این ماهها برای ژاپنی ها طنین خوش و معنی زیبا دارد و هنوز خانواده های دلبسته به تاریخ و فرهنگ، نام دخترشان را یایویی (ماه چهارم)، کیساراگی (ماه هفتم) یا موتسنوکى Mutsuki (ماهوش) می گذارند یا نامهای دیگر که با ترکیب «ماه» ساخته شده است می دهند.

برای نام ماههای دهم و دوازدهم (ماه بی خدا و ماه شیواسو) قصه گفته و داستان ساخته اند. ژاپنی ها از دیرباز ماه دهم سال را «ماه بی خدا» خوانده اند. کینکو یوشیدا، راهب گوشه گرفته بودایی سده چهاردهم میلادی که خاطره ها و نکته هایی را در باره حال و هوای خود و مردم و محیط به قلم آورده و ازین نوشته ها مجموعه ای به نام تسوره زوره گوسا Tsure - zure - gusa به یادگار گذاشته، نوشته است: «در ماه بی خدا از راه بیشه... برای دیدن کسی روانه دهکده ای کوهستانی بودم.»

(قطعه ۱۱) به سخن او: «این باور عوام را که چون ماه دهم سال «ماه بی خدا» است باید از برگزاری جشنهای «شینتو» در آن خودداری کرد، هیچ سندی تأیید نمی‌کند و این موضوع در هیچ کتابی نیامده است. شاید که ماه دهم را ازینرو ماه بی خدا خوانده‌اند که در آن هیچیک از نیایشگاهها جشنی ندارد. کسانی عقیده دارند که در «ماه بی خدا» همه خدایان در نیایشگاه بزرگ شینتو درایسه Ise اگر گرد می‌آیند، اما این نظر را معتبر نمی‌دانم. اگر چنین بود، می‌باید که در این ماه نیز آئین‌ها و جشنهای ویژه در ایسه باشد، حال آنکه جشنی در آنجا برگزار نمی‌شود. گاه بوده‌است که امپراتور در ماه دهم به زیارتگاهها رفته، اما این موارد بیشتر شوم در آمده‌است.» (قطعه ۲۰۲)

مردم ژاپن عقیده داشتند که همه خدایان آئین شینتو این سرزمین در ماه دهم از زیارتگاههای مقرر خود می‌روند و در زیارتگاه بزرگ ناحیه ایزومو Izumo در ایالت شیمان Shimane گرد هم می‌آیند. در زیارتگاه تایشا Taisha در ایزومو ساختمان بزرگی برای مکان دادن خدایان میهمان در مدت این اجلاس هست.

دانسته نیست که این عقیده از کجا پیدا شده، اما به روایتی نام این ماه از کامی نا Kamina آمده که به معنی درست کردن ساکه تازه با برنج تازه درو شده است، پس آنرا کامی نا - تسوکی یا ماه درست کردن ساکه تازه، خواندند، اما به طریقی مفهوم آنرا تبدیل کردند و معنی بی خدا، یا غیاب خدا، از آن گرفتند.

در همه جای ژاپن مراسمی برای بدرقه خدایان که به ایزومو می‌روند برگزار می‌شد، و در جاهایی هنوز می‌شود. در بعضی نواحی، این آئین بدرقه را فرصتی برای انتخاب شریک زندگی می‌گیرند. پسرها و دخترهای جوان برای نیایش به زیارتگاه می‌روند و دعا می‌کنند که پیش از آنکه خدایان از ایزومو برگردند شریک زندگیشان یافته شود (یادآور سیزه گره زدن دختران در سیزه بدر ایرانی). با اینکه همه این خدایان با مراسمی بدرقه می‌شوند، هیچ آئین و تشریفات برای استقبال کردن از آنها برگزار نمی‌شود زیرا که وقت برگشتن آنها متفاوت است. بیشترشان یکماهه برمی‌گردند، اما چندتایشان تا ماه دوم سال بعد در سفر می‌مانند.

ژاپنهای قدیم عقیده داشتند که عروسی دختر و پسر را یکی از خدایان ترتیب می‌دهد. پیشترها مردم خرافه پرست در ماه دهم سال که «ماه بی خدا» نامیده می‌شد مراسم عروسی برگزار نمی‌کردند، چون در این ماه خدایی حاضر نبود که ترتیب ازدواج را بدهد. عقیده داشتند که در این وقت همه خدایان به ایزومو رفته‌اند. هنوز هم هر ساله عده‌ای به زیارت نیایشگاه ایزومو می‌روند تا برای عروسی خود یا کسان و خویشانشان دعا کنند. می‌گویند که خدای نیایشگاه ایزومو از ترتیب دادن عروسی برای جوانهای بی‌همسر خوشحال می‌شود، و اینست که خوشش نمی‌آید که زن و شوهرها به اینجا بیایند، زیرا سوای اینکه کاری برای آنها از ساخته نیست ممکن است که آنها حسودیشان هم بشود. مردم خرافه پرست حتی عقیده دارند که خدای نیایشگاه ایزومو مجمعی از همه خدایان زیارتگاهها در ماه دهم فرا می‌خواند تا ترتیب عروسی مردم بی‌همسر محلشان را در

سال آتی بدهد. بفاصله یکی دو فرسنگ در جنوب شرقی نیایشگاه ایزومو زیارتگاهی است که مان کوسین **Mankusen Jinja** «زیارتگاه نوزده هزار» خوانده می شود. در قدیم می گفتند که نوزده هزار خدایی که برای مجمع خدایان به ایزومو آمده اند روز ۲۶ ماه دهم ازینجا عازم زیارتگاههای خودشان می شوند. در این روز مردم اطراف به این زیارتگاه می آمدند تا به خدایانی که عازم برگشتن هستند ادای احترام کنند.

معاصران می گویند که اعتقاد به چنین مجمع خدایان برای زن و شوهر دادن مجردها هیچ پایه ای ندارد، اما قدیمی ها همچنان به آن عقیده دارند زیرا که نیاکانشان چنین عقیده داشتند یا ازینرو که این داستان شاعرانه و امیدبخش می نماید. امروزه چنین توضیح می دهند که این عقیده به رفتن خدایان از زیارتگاهشان در ماه دهم سال به برداشت محصول برنج مربوط می شود. با جمع آوردن حاصل، کار خدای مزارع در حفاظت کردن از شالی و دور داشتن ارواح شر و حشرات به انجام رسیده است. پس رفتن آنها را با مراسمی همراه می کنند تا حقیقتشناسی کشاورزان از خدمت و زحمت آنها نشان داده شود و این رویه موجب پیدا شدن این اعتقاد شده است که همه خدایان زیارتگاه مفرشان را در ماه دهم سال ترک می کنند.

بنا به یک نظریه هم ماه دهم «ماه خوراک چشیدن خدایان» است، یعنی ماهی که خدایان از برنج تازه درو شده که در ماه نهم به آنان نیاز شده است می چشند.

ماه دوازدهم تقویم قمری قدیم و ماه پایان سال هم «شیواسو» **Shiwasu** نامیده شده است. این ماه «گوکوگتسو» **Goku - getsu** هم نامیده می شود، که به معنی ماه آخر سال است در باره اصل «شیواسو» چند نظریه هست: کسانی می گویند که مردم هر ناحیه در پایان سال مراسم فاتحه و یادبود برای نیاکانشان برگزار می کردند، و راهبان و روحانیان بودایی، یا «هوشی» **Hoshi** می بایست تند و با شتاب از اینجا به آنجا به خانه های مردم بروند و سوترا (متون مقدس بودایی) بخوانند، و اصطلاح شی - نو - هاشیری - زوکی **shi - no - hashiri - zuki** (ماهی که راهبان این درو آن در می دونند) از اینجا آمده است.

برابر نظریه دیگر، «شیواسو» تحریف شده «توشی هاتسو» **toshihatsu** (به معنی پایان سال) است. باز نظریه دیگری می گوید که اصل این کلمه شی هاتسو زوکی **Shihatsu - zuki** (ماهی که همه کارها و امور به سر می رسد) است. رونین **Ronin** یا سامورایی امیر از دست داده و بی جا و جایگاه را «شیواسو رونین» می خوانند، یعنی که امیرش را از دست داده و به بیچارگی افتاده و پایان کارش است، وزن تارک دنیای ژنده پوش را شیواسو بیکونی **Shiwasu - bikuni** می گفتند. این اصطلاح و خطاب، حرفی ناسزا مانند است.

در شعری ساخته کیکوکو **Kikaku** می خوانیم:

شیواسو هنگامی است که
از مفسده های ساکه

(کفارة شراب خوری‌های بی‌حساب هشیار در میانهٔ مستان‌نشستن است)
این شعر در اوضاع امروز مصداق دارد. شیواسو ماهی است که مردم ناگزیر می‌بینند که حساب کار و حال سالی را که گذشته است برسند. و به وضع مزاجی و زندگی مادی و معنوی خود بنگرند. کارهای متعدد است که در پایان سال باید به انجام رسانند، و مردم در این ماه بسیار مشغول می‌شوند. یک هایکو (شعر کوتاه ۱۷ هجایی) سرودهٔ تاتسوکو هوشینو Tatsuki Hoshino می‌گوید:

کار غیر منتظری

و ادارم می‌کند که

از گینزای «شیواسو» بگذرم.

گینزا خیابان مرکزی توکیو و شیواسو در اینجا به معنی شلوغ است.

در این ماه احساسی از دل‌تنگی و تنهایی در انسان پیدا می‌شود.

ماهها در ژاپن به نام گلها نیز خوانده می‌شود، به این ترتیب که هر ماه را موسم یک گل می‌دانستند یا آن گل را خاص آن ماه. این ترتیب که آنرا می‌توان «تقویم گلها» نامید چنین است:

ماه یکم: Adnis

ماه دوم: شکوفه آلو

ماه سوم: شکوفهٔ هلو

ماه چهارم: شکوفهٔ گیلاس

ماه پنجم: زنبق یا سوسن

ماه ششم: گل صدتومانی یا شقایق پُر پُر

ماه هفتم: گل نیلوفر پیچ

ماه هشتم: * Lespedeza

ماه نهم: گل داوودی

ماه دهم: خطمی زیتنی

ماه یازدهم: کامیلیا

ماه دوازدهم: گل نرگس

(خطمی زیتنی در ترجمهٔ Hibiscus از فرهنگ معاصر فارسی تألیف باطنی و آذر مهر آورده شد. در جای دیگر، این کلمه «گیاه یا بوته درخت از جنس بامیه از خانواده گیاهان که دارای برگهای مضرس و گلهای ظریفی است» معنی شده است (فرهنگ دانشگاهی انگلیسی آریانپور)

در ژاپن قدیم تقویم قمری معمول بود و هر ماه از شب چهارده ماه تا شب چهارده ماه دیگر (به تقویم قمری اسلامی) بود. ماه با بدر یا ماه تمام آغاز می‌شد و سال هم با این جلوه طبیعت رابطه داشت. ماه معنی خاص در زندگی ژاپنی داشت، و مهتاب هم، چنانکه نزد ایرانیان سده‌های گذشته که اثر آن در شعر و ادب فارسی هم خوب پیداست.

یک ماه قمری حدود بیست و نه روز و نیم دارد. پس، برای سهولت، ماهها به تناوب ۲۹ روزه و ۳۰ روزه شمار می‌شد. ازینرو، ۱۲ ماه فقط ۳۵۴ روز می‌شد، یعنی ۱۱ روز کمتر از سال خورشیدی، بدینسان فصل‌های تقویم قمری رفته رفته از فصل طبیعی و واقعی فاصله می‌گرفت و عقب می‌افتاد. پس هر وقت که سال ۲۹ یا ۳۰ روز از فصل عقب می‌افتاد، یک ماه اضافی به نام اورو - نو - U - U یا کیسه منظور می‌کردند تا زمان را با گردش خورشیدی مطابق کنند. بر این قرار، ماه اورو - نو هر سه سال یکبار پیدا می‌شود، اما ممکن است که در هر موقع از سال واقع شود. مثلاً، وقتیکه این ماه به ماه دوم مسیحی یا بهمن ایرانی بیفتد، عقیده بر اینست که فصل زمستان نه فقط یک ماه بلندتر از معمول است بلکه سرمای آنسال خیلی سخت می‌شود، و اگر ماه افزوده در تابستان واقع شود پیش‌بینی می‌کنند که گرما طاقت‌فرسا باشد. بدینسان، سالی که ماه کیسه دارد ۱۳ ماه می‌کشد. اما در تقویم قمری سال کیسه، چنانکه در تقویم خورشیدی هست و در آن سال یک روز به ماه دوم اروپایی و در تقویم ایرانی به ماه اسفند می‌افزایند، وجود ندارد.

تقویم قمری دیرزمانی بر زندگی و کار مردم، بویژه کشاورزان، حاکم بود. تخم پاشی، درو کردن و برداشت محصول، خشک کردن میوه و سبزی و ترشی انداختن و بسیاری فعالیت‌های دیگر کشاورزی هنوز برابر این تقویم انجام می‌شود، هر چند که به کار بردن تقویم قمری اکنون منع شده است.

پیشتر رسم بر این بود که روزهای ماه قمری را هم در تقویم کنار روزهای ماه خورشیدی می‌نوشتند، اما از چند دهه پیش این کار موقوف شد. پس امروزه برای مردم عادی شهری و روستایی امکان شناختن روزهای ماه قمری نیست، اما کشاورزان رسم و عادت رعایت روزهای ماه قمری را سخت نگهداشته‌اند و بی‌آنکه نیاز به دیدن تقویم باشد این روزها را می‌شناسند و عقیده دارند که تقویم قمری بسیار بهتر از تقویم خورشیدی با تغییرهای طبیعی فصول تطبیق می‌کند و مناسبت دارد.

در ژاپن پس از بازگشت قدرت حکومت به امپراتور در سال ۱۸۶۸ که نهضت میجی Meiji نام گرفت. همراه با دیگر برنامه‌های تجدد، تقویم مرسوم قمری نیز منسوخ شد و برابر فرمانی که امپراتور در روز ۹ ماه ۱۱ (قمری) سال ۱۸۷۲ صادر کرد مقرر شد که از روز ۳ ماه ۱۲ آن سال (به تقویم قمری) که مصادف بود با ۱ ژانویه ۱۸۷۳، گاه شمار خورشیدی برابر تقویم مسیحی اروپایی در ژاپن معمول شود. سال به ۳۶۴ روز، با یک روز افزوده در هر سه سال چنانکه در تقویم خورشیدی و جلالی ایران است، و به ۱۲ ماه تقسیم شد. ژاپنی‌ها همان مبدأ سال اروپایی، ۱ ژانویه، را

آغاز سال خورشیدی خود قرار دادند، اما در شمارش سالها و محاسبه تاریخ به سنت خود که تقسیم تاریخ به دوره هر پادشاه و شمارش سالها در هر دوره از نو بود، ماندند. مثلاً، سالهای حکومت امپراتور میجی (۱۸۶۷ تا ۱۹۱۲) را «دوره میجی» می خوانند و سال ۱۸۶۸، تاریخ نهضت «میجی» را «سال دوم میجی» می دانند. سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴ - ۱۳۷۳ خورشیدی) هم که هفتمین سال جلوس امپراتور کنونی است که دوره اش «هی بی» نامیده شده است، سال ۷ هی بی شمرده می شود.

تغییر تقویم بر بسیاری از امور متعارف زندگی مردم اثر گذاشت. اکنون موعد کشت و برداشت و پرداختن مالیات، شروع فصلها، هنگام جشن های ملی و آئینی و اعیاد و سررسید تعهدهای مالی به روزهای تازه افتاد و می بایست با تقویم جدید محاسبه شود. هر چند که بسیاری از مردم تقویم قدیم را همچنان همراه با تقویم تازه به کار می برند، تغییر گاه شمار مفهومی بیش از تغییر اعداد و حساب روز و ماه و سال داشت و اثر فکری آن بسی بیشتر بود. این تدبیر جنبه مهمی از سیاست دولت ژاپن را باز نمود و عزم قاطع حکومت تازه را برای گسستن از سنت و رو آوردن به تجدد، یعنی در واقع دور شدن از چین و الگو گرفتن از باختر زمین تا آنجا که برای ساختن ژاپن نیرومند و مترقی بایسته بود، نشان داد.

با این همه، ژاپنی ها هوشمند و طبیعت دوست راهی یگانه در پیش گرفتند، و با اینکه تقویم باختری را که آغاز سال آن را ۱ ژانویه است رسماً پذیرفتند، شروع تقریباً همه فعالیت های خود را ابتدای بهار قرار دادند، چنانکه سال مالی دولت، و بطور کلی مملکت، سال تحصیلی در کشور و دیگر امور و برنامه های اجتماعی از اول ماه آوریل فرنگی که تقریباً مصادف با شروع سال نو ایرانی آغاز می شود.

در ایران تغییر تقویم از قمری به خورشیدی در اوایل سده کنونی انجام گرفت. بعد از استیلای عرب تا سال ۴۷۱ ه. ق (۱۰۷۹ م.) تقویم متداول در ایران تقویم هجری قمری بود، و از آن سال تقویم جلالی نیز معمول شد، تا در سال ۱۳۴۳ ه. ق (۱۹۲۵ م.) که تقویم هجری شمسی که بر پایه تقویم جلالی و مبدأش هجرت حضرت محمد از مکه به مدینه است، تقویم رسمی کشور ایران شد. بموجب قانون مورخ ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ ه. ش. تقویم رسمی ایران هجری شمسی، و اول سال «روز اول بهار» و اسامی ماهها متخذ از نامهای ایرانی (اوستایی) است، (مصاحب، دائرةالمعارف فارسی، ذیل «تقویم») پیش از آن، ماههای شمسی را به نام بروج دوازده گانه می نامیدند که با حتمل (بهره)، که برابر فروردین بود، شروع می شد. در دوبیتی ای از ابونصر فراخی آمده است:

بر جها دبدم که از مشرق بر آوردند سر
جمله در تسبیح و در تجلیل حی لایموت
چون حمل چون ثور و چون جوزا سرطان و اسد
سنبله میزان و عقرب قوس و جدی و ذو و حوت

ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه در سخن از ماههای ایرانی آورده است:

«گوییم: شماره‌ی ماههای سال دوازده است چنانکه ایزد تعالی در کتاب خود گوید: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ... هم‌چنین ماههای فارسیان دوازده بوده... فروردین، اردیبهشت... از ابوسعید احمد بن محمد بن عبدالمجلیب سجستانی شنیدم که از قدمای سجستان اینطور نقل می‌کرد که ایشان همین ماهها را بنامهای دیگری می‌خواندند و از فروردین ماه آغاز می‌کردند...: کواذ، رهو، اوسال، تیر، کیانوا، سریزوا، مریزوا، تورز، هرانوا، آرکبازوا، کژپشت، گژشن، ساروا...» (صفحه‌های ۶۸ و ۶۹)

در تقویم اوستایی هر روز از سی روز ماه هم نام خاصی داشت، و در هر ماه روز همنام با آن ماه را جشن می‌گرفتند، مانند عید خردادگان در روز ششم خردادماه که این روز هم خرداد نام داشت. (مصاحب، دایرة‌المعارف فارسی، ذیل «تقویم اوستایی».)

ترتیب دیگر برای نامیدن ماهها در ژاپن «جونئی شی» Ju - ni - shi (ماههای دوازده گانه) خوانده می‌شد. در این ترتیب هر ماه نامی داشت مانند «می» (نوروز و ماه یکم)، وچوآ (ماه دوم) دانسته نیست که «جونئی شی» از کی معمول شد. پس از دوره «کان» (دوره سلسله هان Han در چین سالهای ۲۰۶ پیش از میلاد تا ۲۲۱ میلادی) نوروز را «این» نامیدند. برابر ترتیب «جونئی شی» نام ماهها چنین بود:

- ۱- این In، ماه یک تقویم قدیم. «این» به معنای حرکت کردن است و گویای حالتی که در آغاز بهار در درخت و گیاه پیدا می‌شود. ماه «این» نوروز است و فصل بهار.
- ۲- بوآ Bo، ماه ۲ تقویم قدیم، که به معنی انبوه شدن یا پوشاندن است، چرا که درخت و گیاه می‌روید و زمین را می‌پوشاند.
- ۳- شین Shin، ماه ۳، که به معنی تکان خوردن و آماده شدن است. در این ماه هوا به حرکت می‌آید و رعد می‌غرد و درخت و گیاه بزرگ می‌شود و به برگ و بار می‌نشیند.
- ۴- شی Shi، ماه ۴، که معنی ایستایی دارد و نشانه اینکه درخت و سبزه به حد رشد رسیده است.
- ۵- گو Go، ماه ۵، که به معنی به بن بست رسیدن و تناقض است، زیرا که درخت و گیاه از رشد باز می‌ماند و از قوت به ضعف می‌گراید.
- ۶- بی Bi، ماه ۶، که معنی مزه دارد و هنگامی است که میوه درخت نزدیک به رسیدن است و مزه گس دارد.
- ۷- شین Shin، ماه ۷، که معنی خالی کردن است. در این موسم میوه و بار درخت رسیده و سفت می‌شود.
- ۸- بوآ Yu، ماه ۸، به معنی چروک شدن، و حالتی است که میوه پس از رسیده شدن و ماندن بر

شاخ درخت پیدا می‌کند.

۹- جوتسو Jutsu، ماه ۹، که معنی هلاک شدن و گسستن دارد، و این موسم پژمردن درخت و گیاه است.

۱۰- گای Gai، ماه ۱۹، که به معنی بستن است، و هنگامی است که درخت و بوته هم‌اکنون پژمرده شده است اما نطفهٔ حیات گیاه تازه در تخم بسته می‌شود.

۱۱- شی Shi، ماه ۱۱ (که نشانهٔ نگارشی چینی آن با «شی» ماه ۴ تفاوت دارد)، به معنی زیاد شدن، و حالتی است که زندگی تازه از درون درخت و سبزه سر برمی‌زند و تخم شروع به جوانه زدن می‌کند.

۱۲- چو Chu، ماه ۱۲، به معنی نخ و گیر کردن است، زیرا که اکنون جوانهٔ تازه از تخم بیرون زده اما هنوز بلند و استوار نشده است.*

در چین در دورهٔ بین گوکو (سالهای ۴۰۳ تا ۲۲۱ پیش از م.) به «جون شی» نام دوازده حیوان داده شد تا به یاد سپردنش برای عامه آسان باشد، و به همان نشانهٔ نگارشی نوشته می‌شد. پس، با اینکه نام ماهها معنی موش یا گاو نداشت، این کلمه‌ها به این اسامی خوانده می‌شد:

۱- نه Ne = موش

۲- اوشی Ushi = گاو

۳- تورا Tora = ببر

۴- او U = خرگوش

۵- تاتسو Tatsu = اژدها

۶- می Mi = مار

۷- او ما Uma = اسب

۸- هیتسوجی Hitsuji = گوسفند

۹- سارو Saru = میمون

۱۰- توری Tori = مرغ

۱۱- اینو Inu = سگ

۱۲- ای I = خوک و حشی

مقایسهٔ این نامهای قدیم ماهها در ترتیب «جون شی» با آنچه که در معنی نام ماههای ایرانی نوشته‌اند جالب است، و نیز شگفت‌انگیز که معنای نام باستانی ماهها در ایران و ژاپن تا چه اندازه به هم نزدیک است:

در بیان آغاز گاه شماری ایرانیان در «نوروزنامه» منسوب به خیام چنین آمده است:
«چنانک آفتاب از سر حَمَل روان شد و ز حَل و مشتری بادیگر کواکب آنجا بودند، بفرمان ایزد

تعالی حالهای عالم دیگرگون گشت، چیزها نر پدید آمد، مانند آنک در خورد عالم و گردش بود. چون آنوقت را دریافتند ملکان عجم... نشان کردند و این روز را جشن ساختند... و چنین گویند که کیومرث این روزها آغاز تاریخ کرد هر سال آفتاب را و چون یک دور آفتاب بگشت در مدت سیصد و شصت و پنج روز بدوازده قسمت کرد هر بخشی سی روز، و هر یکی را از آن نامی نهاد و بفریشه‌ای بازست از آن دوازده فرشته که ایزد تبارک و تعالی ایشانرا بر عالم گماشته است...
«فروردین ماه، به زبان پهلوی است، معنیش چنان باشد که این آن ماه است که آغاز رستن نبات در وی باشد...»

«اردیبهشت ماه... آن ماه است که جهان اندروی به بهشت مآند از خرمی...»

«خرداد ماه... آن ماه است که خورش دهد مردمان را از گندم و جو و میوه...»

«تیر ماه را بدان تیر خوانند که اندرو جو و گندم و دیگر چیزها را قسمت کنند...»

«مرداد ماه، یعنی خاک داد خویش بداد از برها و میوه‌ها پخته که در وی به کمال رسد...»

«شهریور ماه... ریو دخل بُود یعنی دخل پادشاهان درین ماه باشد...»

«مهر ماه، این ماه را از آن مهر ماه گویند که مهربانی بُود مردمان را بر یکدیگر از هر چه رسیده

باشد از غله و میوه نصیب باشد بدهند و بخورند بهم...»

«آبان ماه، یعنی آبها درین ماه زیادت گردد از بارانها که آغاز کند، و مردمان آب گیرند از بهر

کشت...»

«آذر ماه، به زبان پهلوی آذر آتش بود، و هوا درین ماه سرد گشته باشد و به آتش حاجت بُود،

یعنی ماه آتش...»

«دی ماه، به زبان پهلوی دی دیو باشد... این ماه درشت بود و زمین از خرمیها دور مانده بُود...»

«بهمن ماه، یعنی این ماه به همان مآند و مانند بهمه دی سردی و خشکی و بکنج اندر مانده...»

«اسفند ماه، ... اسفند به زبان پهلوی میوه بُود یعنی اندرین ماه میوه‌ها و گیاه‌ها دمیدن گیرد...»

منابع عمده این مقاله

- بیرونی، آثار الباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، امیرکبیر، ۱۳۶۳ (چاپ سوم).
- خیام، نوروزنامه، طهوری، ۱۳۴۲
- رجب‌زاده، هاشم؛ تاریخ ژاپن، تهران، ۱۳۶۵، صفحه‌های ۲۸۳ تا ۲۸۸.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ امثال و حکم فارسی، تهران ۱۳۶۳ (چاپ ششم)
- کنکو یوشیدا؛ تسوره زوره گوسا (گلستان ژاپنی)، ترجمه هاشم رجب‌زاده، پژوهشگاه

- «شیواسو» (به زبان ژاپنی)، در: آساهی شیمبون (روزنامه آساهی)، توکیو، شماره ۱ دسامبر

۱۹۹۲.

- Joya, Mock; Things japanese, Tokyo, 1954, pp.379 - 80, 442 - 43, 454 - 55, & 585.

- Papinot, e.: Historical and Geographical Dictionary of Japan, Tokyo, 1972, p.838.

پی‌نوشتها:

* با اینکه سرزمین مقدس ایران راکشورگل و بلبل می‌نامند، در لغت‌نامه‌های در دسترس نام فارسی بسیاری از گلها که همه نامهای اروپایی و بویژه نام گیاه‌شناختی (Lotanical) دقیق و شناخته شده دارد، نیامده و این یکی از دشواریهای کار ترجمه به فارسی است؛ کی باشد که صاحب همتی این جای خالی را در منابع فارسی پر کند.

* شرح نام ماهها در ترتیب «خونی‌شی» را شاگرد کوشایم در رشته ایران‌شناسی، خانم یوری سانه‌کی، فراهم کرده است و در اینجا از نوشته‌اش نقل کردم (ه.ر.).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سفارت یا تجسس

روزنامه فارسی سیدالاکخبار چاپ حیدرآباد دکن در شماره ۳۵ خود که تاریخ ۵ ذی‌الحجه ۱۳۰۶ هجری قمری برابر ۱۳ اگست ۱۸۸۹ را دارد در صفحه ۳ نوشته است.

«یک تمغای امتیاز درجه «انتظام» از جانب اعلیحضرت سلطان عنایت شده است به امپراطور جهان و اکنون به صحابت کرنل عثمان به یک ایدیکانک (ژنرال آجودان) اعلیحضرت کسپیل می‌شود به توکیو پای تخت ملک جهان - عثمان به یک به جهاز موسوم «ارنگیرال» روانه خواهد شد که امارات آن نیز در بین این سفر باو مقوض شده - این ایلچی کری یا رسالت دو عکاس نیز شامل دارد که عکس تمام نمایشات و عمارات حالیه شهر مذکور و جاهای دیگر زا که در بین مسافرت ملاحظه می‌شوند برگیرند.